

تاریخ هنر
در سرزمین‌های اسلامی
(ویرایش دوم)

انور الرفاعی

ترجمه
دکتر عبدالرحیم قنوات

۱۳۹۵

سرسناسه	رفاعی؛ انور -
عنوان و نام پدیدآور	تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی / تألیف انور الرفاعی، ترجمه عبدالرحیم قنوات (ویرایش دوم).
مشخصات نشر	مشهد، انتشارات جهاددانشگاهی مشهد، ۱۳۹۴.
فروست	انتشارات جهاددانشگاهی مشهد؛ ۵۲۹؛ علوم انسانی ۶۷.
مشخصات ظاهری	۱۶۶ ص. : مصور.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۳۲۴-۳۵۱-۷
موضوع	۱. هنر اسلامی -- تاریخ.
موضوع	هنر -- کشورهای اسلامی -- تاریخ.
شناسه افزوده	قنوات، عبدالرحیم، مترجم.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۴، ت ۵۷/۵۷۲۶۲۶ N
رده‌بندی دیوئی	۷۰۹/۱۷۶۷۱



انتشارات جهاددانشگاهی مشهد

مشهد، میدان آزادی، پردیس دانشگاه، سازمان مرکزی جهاددانشگاهی
 ص. پ. ۱۳۷۶-۹۱۷۷۵ تلفن: ۳۸۸۳۲۳۶۷ دفتر پخش: ۳۸۸۴۲۲۳۰
www.jdmpress.com info@jdmpress.com

تاریخ هنر در سرزمین‌های اسلامی

تألیف: انور الرفاعی

ترجمه: عبدالرحیم قنوات

واژه‌پرداز هاشمی نجفی / لیتوگرافی شهداسکر / چاپ و صحافی چاپخانه دانشگاه فردوسی

ویرایش اول (چاپ‌های اول تا پنجم: ۱۳۷۷ تا ۱۳۹۳)

ویرایش دوم، چاپ اول، پاییز ۱۳۹۵ / ۱۱۰۰ نسخه / شماره‌ی نشر ۵۲۹

ISBN: 978-964-324-351-7

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۳۲۴-۳۵۱-۷

کلیه‌ی حقوق نشر برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۹۵.۰۰۰ ریال

به نام خداوند جان و خرد

کتاب بزرگ‌ترین دستاورد فرهنگی بشر است. دانش بشری مدیون هزاران هزار کتابی است که در طول تاریخ با رنج و تلاش فراوان گرد آمده‌اند. کتاب تداوم معرفت علمی انسان است که سرانجام به تراکم دانش و بروز دگرگونی‌های تمدنی می‌انجامد.

جهاد دانشگاهی مشهد بر این باور است که نخستین گام در راه بهبود ساختارهای اقتصادی-اجتماعی و توسعه‌ی کشور، دستیابی به تازه‌های دانش و نشر یافته‌های پژوهشگران است. کتاب حاضر پانصدویست و نهمین اثری است که با همین رویکرد منتشر می‌شود. رهنمودهای خوانندگان فرهیخته می‌تواند ما را در ارتقای سطح کیفی و کمی این آثار یاری نماید.

انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد

فهرست

۷.....	پیشگفتار مترجم.....
۸.....	شیوه ترجمه کتاب.....
۱۱.....	مقدمه مؤلف.....
۱۵.....	۱. مکتب‌ها، دوره‌ها و ویژگی‌های هنر اسلامی.....
۱۵.....	۱-۱ کلیات.....
۱۶.....	۱-۲ پیدایش هنر اسلامی و مکتب‌های آن.....
۱۹.....	۱-۳ دوره‌های هنر اسلامی.....
۲۳.....	۱-۴ ویژگی‌های هنر اسلامی.....
۲۷.....	۲. شهرسازی.....
۲۸.....	۲-۱ شهرهای عراق.....
۳۷.....	۲-۲ شهرهای شام.....
۴۰.....	۲-۳ شهرهای مصر.....
۴۰.....	۲-۴ شهرهای مغرب.....
۴۲.....	۲-۵ شهرهای اندلس.....
۴۶.....	۳. معماری.....
۵۳.....	۳-۱ کلیات.....
۵۵.....	۳-۲ مکتب‌های معماری اسلامی.....
۶۱.....	۳-۳ مساجد و برجستگی‌های معماری آنها.....
۹۷.....	۳-۴ قصرها.....
۱۰۶.....	۳-۵ کاروانسراها.....
۱۰۷.....	۳-۶ بناهای جنگی.....
۱۱۱.....	۴. هنرهای زیبا.....
۱۱۱.....	۴-۱ نقاشی و مجسمه‌سازی.....
۱۲۳.....	۴-۲ کتابت و خط.....
۱۳۶.....	۴-۳ عناصر تزئینی.....
۱۴۰.....	۴-۴ صنایع دستی.....
۱۵۱.....	۴-۵ موسیقی و آواز.....
۱۶۵.....	نمایه.....

پیشگفتار مترجم

متن حاضر، ترجمه کتاب *تاریخ الفن عند العرب و المسلمین* نوشته انور الرفاعی، نویسنده معاصر سوری، است. این ترجمه از روی نسخه‌ای از چاپ دوم کتاب که در سال ۱۹۷۷ م توسط انتشارات دارالفکر منتشر گردیده، صورت گرفته است. چاپ اول کتاب در سال ۱۹۷۳ م منتشر شده بود.

متن این کتاب ظاهراً درسنامه‌ای بوده که مؤلف برای استفاده دانشجویان خود در دانشکده هنرهای زیبا و بخش معماری دانشکده مهندسی دانشگاه دمشق فراهم آورده است.

رفاعی در این کتاب از مآخذ و منابع مختلفی سود برده ولی خلاف شیوه معمول، اشارات دقیقی به آنها نکرده است. استفاده از این متون و منابع در مواردی به افراط کشیده شده، تا جایی که تقریباً تمامی آنچه نویسنده در فصل ۴ کتاب (فصل ۱۰ متن اصلی) ذیل عنوان «الغناء و الموسيقى» آورده، برگرفته از کتاب *تاریخ عرب فیلیپ حتی* است. به همین دلیل *تاریخ الفن...* را بیشتر می‌توان تألیف و تدوین نامید تا تصنیف. با وجود این، داشتن ویژگی‌هایی چند، نگارنده را به ترجمه و انتشار این کتاب راغب کرد:

۱. تاریخ هنرهای اسلامی - همانند بسیاری از جنبه‌های دیگر تمدن اسلام - هنوز آنچنان که باید مورد توجه مسلمانان قرار نگرفته است. به همین دلیل تألیف و ترجمه یک عنوان کتاب نیز می‌تواند گامی - اگرچه کوتاه - در مسیر جلب اذهان به این جنبه مهم از تاریخ تمدن اسلامی به‌شمار آید.

۲. کتاب *تاریخ الفن...* به‌رغم حجم نسبتاً کم آن، سرگذشت هنرهای اسلامی را در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام - اگرچه گاهی مجمل - بررسی کرده است. ضمن اینکه نویسنده تقریباً تمامی هنرهای مهم اسلامی را مدنظر قرار داده است. این شمول و جامعیت دو گانه، ویژگی مثبت برای این کتاب در مقایسه با برخی کتب دیگر در این رشته است.

۳. نویسنده در تألیف کتاب خود از نظمی خاص پیروی کرده است: هنرهای اسلامی را تقسیم‌بندی و در ذیل هر عنوان، تغییر و تحولات و آثار هر رشته هنری در دوره‌های مختلف تاریخ اسلام را به‌صورت منظم بررسی و بیان کرده است. این ویژگی که خود ناشی از درسی بودن متن اصلی است، زمینه لازم برای استفاده از ترجمه را نیز به‌عنوان یک متن درسی، در دروس تاریخ هنرهای اسلامی فراهم می‌آورد.

۴. بیشتر کتاب‌های موجود درباره تاریخ هنرهای اسلامی، به‌وسیله مستشرقین تألیف شده‌اند. این آثار اگرچه اغلب مفید و ارزشمند ولی در مواردی دچار نقیصه‌ای هستند و آن اینکه به‌دلیل عدم آشنایی گسترده

برخی از مؤلفین با تاریخ و عناصر فرهنگ اسلامی، غلط‌هایی در آنها راه یافته و بخصوص در ثبت و ضبط دقیق واژه‌ها و اصطلاحات خاص دچار اشکال گردیده‌اند. برخی از ترجمه‌های غیردقیق از این متون نیز این مشکل را دوچندان کرده است. کتاب حاضر به دلیل مسلمان‌بودن نویسنده و آشنایی او با تاریخ اسلام و عناصر فرهنگ اسلامی (نویسنده، کتاب‌های دیگری نیز درباره جنبه‌های دیگری از تمدن اسلامی منتشر کرده است) از این اشکالات و اغلاط میراست.

شیوه ترجمه کتاب

در خصوص شیوه ترجمه کتاب و برخی تغییراتی که در آن صورت گرفته، مواردی قابل ذکر است:

۱. اگرچه در ترجمه متن، به معنی و محتوای آن کاملاً وفادار بوده‌ام، ولی به دلیل آنکه این کتاب در شمار مآخذ دست اول به حساب نمی‌آید و ویژگی ادبی خاصی نیز ندارد، ترجمه لفظ‌به‌لفظ متن را ضروری ندانستم. به همین دلیل پس از چندبار بازنویسی، کوشش کرده‌ام متنی سلیس و روان به خوانندگان عرضه کنم.
 ۲. تبویب و فصل‌بندی کتاب دارای اشکالاتی بود که تغییراتی اجباری را در آن باعث شد؛ متن اصلی شامل ده فصل بود ولی در ترجمه به چهار فصل تبدیل گردید.
 ۳. متن اصلی فاقد پاورقی و ارجاعات به منابع و مآخذ بود. در ترجمه نیز در این خصوص چیزی افزوده نشده است ولی مواردی متعدد در متن وجود داشت که نیازمند توضیح بود. به همین دلیل پاورقی‌هایی بر متن ترجمه افزوده شد. در مواردی معدود نیز برخی مطالب متن به پاورقی منتقل گردید. در این گونه موارد نیز در مواردی که مؤلف خود به مطلبی پاورقی زده است، علامت (م) در پایان آن نشانه این است که پاورقی متعلق به مؤلف است. سایر پاورقی‌ها که دارای علامتی نیستند، به وسیله اینجانب افزوده گردیده است.
 ۴. نویسنده اغلب از تاریخ‌های میلادی و گاه از تاریخ‌های هجری قمری استفاده کرده و در مواردی اندک هر دو تاریخ را ثبت کرده است. در ترجمه، این تاریخ‌ها تکمیل شده‌اند و تقریباً همه‌جا، تاریخ هجری و میلادی در کنار هم ثبت شده است.
 ۵. متن کتاب از غلط‌های چاپی و نیز برخی غلط‌های محتوایی - البته نه‌چندان مهم - خالی نبود. این اشتباهات نیز تا حد امکان در ترجمه، تصحیح و در پاورقی به آنها اشاره شده است.
 ۶. متن اصلی شامل تصاویر متعددی است که به شیوه‌ای نامنظم مورد استفاده قرار گرفته‌اند. ضمن اینکه برخی از آنها کیفیت خوبی نیز ندارند. در ترجمه، ضمن استفاده از برخی تصاویر کتاب، تصاویری دیگر نیز انتخاب و به صورت منظم در فصل مربوطه گنجانده شد.
- اگرچه در ترجمه این کتاب نهایت کوشش خود را برای انتقال درست محتوا و پیرایش متن از غلط‌ها و اشتباهات به کار بسته‌ام، ولی ممکن است در این راه توفیق کامل حاصل نشده باشد. خوشحال خواهم شد اگر خوانندگان گرامی اشتباهات احتمالی را به دیده اغماض ننگرند و آنها را یادآور شوند.

در پایان شایسته می‌دانم سپاس خود را به حضور دو تن از استادانی که در این کار از راهنمایی و مساعدت آنان بهره برده‌ام، تقدیم کنم: (۱) استاد ناصر میرزاعلی، مدرس ادبیات عرب در دانشگاه علوم اسلامی رضوی، که در مواردی متعدد، مشکلات اینجانب را در ترجمه متن حل کردند. البته ایشان تنها پاسخگوی سؤالاتی بوده‌اند که نزدشان طرح نموده‌ام، لذا اشکالات احتمالی متن بر عهده اینجانب است. (۲) دکتر نصرت‌الله سعیدی، استاد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد، که پس از خاتمه ترجمه کتاب، تمامی متن آن را با متن اصلی مطابقت کردند و نکته‌هایی تکمیلی و اصلاحاتی را پیشنهاد نمودند که بیشتر آنها را به کار بسته‌ام. سپاس خود را به حضور این استاد نیک‌نفس نیز تقدیم می‌دارم.

عبدالرحیم قنوات
شهریورماه ۱۳۷۷
aghanavat@um.ac.ir

پیشگفتار چاپ ششم

خوشحالم که کتاب تاریخ هنر در سرزمین های اسلامی با لطف و توجه اساتید محترم و دانشجویان گرامی و با همت کارکنان محترم و زحمتکش انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد برای ششمین بار به زیور طبع آراسته می شود. از مدت ها قبل و بر اساس گفتگو و تبادل نظر با همکاران و دانشجویان گرامی تصمیم به انجام اصلاحاتی در متن کتاب گرفته بودم که هر بار به دلیل چاپ شتابزده کتاب و اشتغالات دیگر این کار میسر نگشت. اکنون خوشحالم که سرانجام این اصلاحات و اضافات در چاپ ششم کتاب اعمال شده است؛ به دلیل پاره ای اغلاط تایپی و نگارشی، متن کتاب مجدداً حروفچینی شده است و با نمونه خوانی دقیق سعی شده است که این بار به حداقل برسد. جز این به نظر می رسد بر متن اصلی کتاب باید مطالبی افزود. بر این اساس، مطالبی در خصوص کاروانسراها و بخصوص خوشنویسی توسط این جانب نوشته و در متن گنجانده شد. این مطالب به وسیله قرار گرفتن در دو قلاب مشخص شده اند. یکی دیگر از اضافات کتاب فهرست عامی است که برای نام کتب، اماکن، اعلام و مفاهیم تهیه و به پایان کتاب ملحق شده است.

هجده سال پیش برای چاپ اول کتاب، عکس ها و تصاویری را از کتاب های مختلف انتخاب کردم، این بار استفاده از اینترنت و جستجو در این دنیای مجازی مرا با هزاران تصویر با کیفیت بسیار خوب مواجه کرد که کار انتخاب شمار معدودی از آنها، سخت دشوار بود. نهایتاً تصاویری تازه انتخاب شد و تقریباً تمامی تصاویر قبلی تغییر کرد.

ختم کلام اینکه آنچه باید در چاپ اول کتاب یادآوری می شد و از قلم افتاد، این است که اولین بار پیشنهاد ترجمه این کتاب را دوست عزیزم دکتر سیدجمال موسوی به من داد و نسخه ای از کتاب را نیز که خود از نمایشگاه بین المللی کتاب تهران تهیه کرده بود در اختیار این جانب نهاد که هنوز هم به ایشان برنگردانده ام. آن موقع من و ایشان تازه دوره کارشناسی ارشد را به پایان رسانده بودیم ولی هرگاه همدیگر را می دیدیم نقل محفل مان گفتگوی علمی و تبادل نظر با یکدیگر در این زمینه ها بود. خوشحالم که اکنون پس از سال ها فرصت یادآوری این مطلب پیش آمد. از دیگر همکاران و دانشجویانی که در مراحل از تهیه متن جدید مرا یاری کردند نیز سپاسگزارم.

عبدالرحیم قنوات

شهریورماه ۱۳۹۵

مقدمه مؤلف

در دنیای اسلام، شمار کسانی که به گونه‌ای با هنر اسلامی ارتباط دارند، چندان زیاد نیست. مقصود ما کسانی هستند که این هنر را بررسی می‌کنند، مکتب‌ها و روش‌های آن را تحلیل می‌کنند، اصول و ویژگی‌های آن را در می‌یابند، زیبایی آن را درک می‌کنند و راجع به این موضوعات کتاب می‌نویسند؛ آن‌هم کتاب‌هایی علمی که با نوآوری‌های هنری مسلمانان از حیث مضمون، موضوع، گوناگونی، سرشت و یگانگی‌شان به‌رغم فراوانی اسلوب‌ها و سلیقه‌های به‌کاررفته در آنها تناسب داشته باشند. دلیل این وضع آن‌است که بیشتر نویسندگان مسلمان، درحالی‌که همه موضوعات قابل‌بحث در تمدن اسلامی را به‌صورتی کامل بررسی و در سطحی بسیار گسترده مورد کاوش قرار داده‌اند، این جنبه از تمدن خویش را نادیده گرفته‌اند. دلیل پرهیز نویسندگان مسلمان از پرداختن به مسائل مربوط به هنر اسلامی این‌است که اصولاً نقاشی، کنده‌کاری و مجسمه‌سازی رشته‌های مهم و برجسته هنری به‌شمار می‌آیند. به‌همین دلیل نویسندگان مسلمان ترسیده‌اند به اموری بپردازند که علمای دینی را درباره حلال یا حرام‌بودن آنها اتفاق نظری نیست. آنان در پی این برنیامده‌اند که بدانند اینها تنها چند رشته هنری هستند و باب هنر، باب گسترده‌ای است که معماری، تزئینات، صنایع دستی و... را نیز شامل می‌شود، و اینها همه از اموری هستند که دین نه‌تنها مخالفتی با آنها نکرده، بلکه نوعی هماهنگی و همراهی نیز میان آن و این رشته‌های هنری برقرار است. از آن جمله می‌توان به ساخت مسجدها، تزئین آنها و نیز ساخت و گردآوری اثاثیه مورد استفاده در این اماکن اشاره کرد.

از لوازم توانایی مادی که در تعالیم دینی مورد تأکید قرار گرفته است، می‌توان به ساخت دژها، رباط‌ها، مدرسه‌ها، تکیه‌ها و... اشاره کرد که اینها همه از جنبه معماری، مهندسی و هنر بنایشان، شایستگی گفتگو و بررسی دارند. خط عربی از نظر شیوه‌ها، انواع و تزئیناتی که خطاطان مسلمان در آن به‌کار بسته‌اند، خود به‌تنهایی دریای گسترده‌ای از دریا‌های هنر است که نیازمند نوشتن کتاب‌ها و بررسی و تحقیق صاحب‌نظران است. تزئینات برگرفته از گیاهان و اشکال هندسی که در دست هنرمندان مسلمان، صورتی تجریدی یافته‌اند دنیای دینی و غیردینی مسلمانان را آکنده است؛ این تزئینات در مسجدها، کاخ‌ها، آرامگاه‌ها، گرمابه‌ها، جایگاه‌های عمومی، بازارها، خانه‌ها، دژها و نسخه‌های کتب خطی به‌کار رفته‌اند تا جایی که حتی نسخه‌های قرآن با نقش‌هایی زیبا و شگفت از این نوع تزئین شده‌اند. در تاریخ هنر اسلامی، این شیوه تزئین و آرایش تاب‌دانا پیشرفت کرد که تبدیل به سبکی از نقاشی اسلامی شد و حتی امروزه اروپاییان آن را آرابسک می‌نامند که به‌معنی هنرهای تزئینی عربی است.

نقاشی‌های ظریف، لطیف و دقیقی که با رنگ‌های شفاف و زیبای خود، نسخه‌های خطی اسلامی را انباشته‌اند، منمن (=میناتور) نامیده می‌شوند. این مینیاتورها یا برای توضیح و تفسیر متون علمی مانند پزشکی، شیمی و مکانیک به کار رفته‌اند و یا با نقش‌های تمثیلی و تخیلی خود در کتب ادبی همانند مقامات حریری، کلیله و دمنه و... مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

استفاده از تصاویر موجودات زنده در جایگاه‌های غیردینی از همان دوره اول تاریخ اسلام دیده می‌شود. شاهد این ادعا آثار به‌جامانده از کاخ‌ها و گرمابه‌های خلفای بنی‌امیه در شام و اردن است.

اولین بار این مستشرقین بودند که میراث هنری مسلمانان را مورد توجه قرار دادند. انگیزه آنان در این کار این بود که به‌هنگام جستجو و کاوش درباره تأثیر خطوط عربی در آرایش و تزئین آثار هنری اروپایی، تأثیر هنر اسلامی را بر هنر مسیحی اروپایی دریافتند. آنان پس از این متوجه تأثیر هنر مسجد و مناره‌سازی در ساختمان برخی کلیساها و برج‌های آنها شدند. هنگام تحقیق و بررسی در ریشه‌ها و اصول این اقتباس‌ها، رشته‌های هنری فراوانی فراروی آنان قرار گرفت که همه‌جا اروپاییان آنها را به‌شکلی کامل و یا با دگرگونی‌هایی از اندلس، مغرب و سیسیل فرا گرفته و به کار بسته بودند. آنان جایگاه هنر اسلامی را نیز همانند علوم و فلسفه اسلامی - که آن دو را نیز اروپاییان در سده‌های میانه از مسلمانان آموخته بودند - دریافتند. دلیل اخذ و اقتباس علمی و هنری غرب از شرق، تفاوت موجود میان سرزمین‌های اسلامی و غرب در آن تاریخ بود؛ در سرزمین‌های اسلامی تمدنی شکوفا ولی در غرب تمدنی مرده و خاموش حاکم بود. تمدنی که هر کس آن را تمدن قرون تاریکی بنامد، راهی اشتباه نپیموده است. مستشرقان با ادامه بررسی‌های خود، دنیای هنری سرشاری را کشف کردند. آنان اعتراف کردند که هنر اسلامی دارای گسترده‌ترین پراکندگی جغرافیایی و درازترین عمر و پیشینه تاریخی است و متنوع‌ترین و سرشارترین هنرهای عالم به‌شمار می‌آید که با وجود این، وحدت و یکپارچگی‌اش، ویژگی خاصی به آن بخشیده است. آنان این هنر را در شمار هنر سایر ملت‌های متمدن همانند چینی‌ها، مصری‌ها و یونانی‌ها، در نظر گرفته و جایگاه آن را فراتر از دیگر هنرهای اروپایی و آسیایی قرار دادند.

تنها پس از ترجمه آثار اروپاییان بود که توصیف‌های اعجاب‌برانگیز آنان از هنر اسلامی، مسلمانان را به حرکت در آورد و توجه آنان را به زیبایی موجود در این هنر، گوناگونی، پراکندگی جغرافیایی و انتشار و گستردگی کمی و کیفی آن جلب کرد.

هنر اسلامی دربرگیرنده رشته‌های هنری امپراتوری گسترده‌ای بود که دامنه آن از چین و ترکستان در شرق تا اسپانیا و دورترین کوه‌های غرب اقیانوس اطلس را دربر می‌گرفت. همچنین دربرگیرنده اقوام مختلفی بود که خود به‌رغم داشتن تمدن و هنری جداگانه، از روح اسلام و ذوق عربی [؟] تأثیر پذیرفتند و به‌شیوه‌ای که نه مخالف این ذوق و نه مخالف آن روح باشد، با این تمدن و رشته‌های هنری آن تماس گرفتند. مسلمانان در جریان بیداری اخیر و زنده کردن میراث گذشته خود به هنر خویش روی آوردند؛ به بررسی آن پرداختند و بین هنر دینی به‌کاررفته در ساختمان مسجدها و تکیه‌ها و هنر نظامی مورد استفاده در

بنای دژها، برج‌ها و رباط‌ها و دیگر هنرها از جمله هنرهای زیبا و نقاشی فرق نهادند. در این هنگام دنیای گسترده و بی‌حدی از دارایی‌های هنری اسلام فراروی آنان قرار گرفت؛ دنیای گسترده‌ای که کشف فرآورده‌های نو، تکان‌دهنده و اعجاب‌برانگیز آن، همچنان ادامه دارد.

موضوعی دیگر که پرداختن به آن در این مقدمه بایسته است، شیوه تحقیق و بررسی در هنر اسلامی است. در این باره سه راه قابل تأمل است:

۱. همانند بسیاری نویسندگان اروپایی، این هنر را بر پایه روند دگرگونی‌های تاریخی آن بررسی کنیم. نویسندگان اروپایی در این روش، دگرگونی‌های هنر اسلامی را با دگرگونی‌های سیاسی پیوند زده‌اند. آنان این هنر را به هنر پیش از اسلام، هنر دوره نبوی و خلفای راشدین، هنر اموی، هنر عباسی، هنر در دوره دولت‌های مستقل و هنر در دوره خلافت‌های سه‌گانه تقسیم کرده‌اند.
 ۲. هنر اسلامی را می‌توان بر پایه شهرها و مراکز آن مورد بررسی قرار داد. مثلاً هنر شام، مصر، عراق، ایران، هند، مغرب، اندلس و
 ۳. روش سوم آن است که هر موضوع هنری را جداگانه بررسی کنیم. مثلاً بگوییم: هنر مسجدسازی و جایگاه‌های عبادی، هنر کاخ‌سازی، نقاشی، کنده‌کاری، خوشنویسی، آرابسک، سفالگری و
- من در این کتاب روش آخر را برگزیده‌ام. بنابراین تغییر و دگرگونی هر موضوعی را از زمان پیدایش آن، با انتقال از ناحیه به ناحیه و دوره‌ای به دوره دیگر، بررسی می‌کنم و در این کار بین وحدت موضوع هنری و دو عنصر زمان و مکان و اثرات این دو در بروز ویژگی‌های آن رشته هنری ارتباط برقرار می‌سازم.
- تمامی تصاویری که در این کتاب آورده‌ام - چه تصاویر اصل و چه تصاویری که از مراجع دیگر اقتباس شده‌اند - به دست دانشجویان من در دانشکده هنرهای زیبا و بخش معماری دانشکده مهندسی دانشگاه دمشق فراهم آمده‌اند. برای هریک از این تصاویر، توضیحی کوتاه نوشته‌ام که شناختی مختصر از آنها به دست می‌دهد، ولی درک نشانه‌های نوآوری، لطافت ذوق و کمال موجود در آنها را به خواننده واگذاشته‌ام!
- آرزوی من این است که توانسته باشم از واقعیت جنبه‌ای از جنبه‌های تمدن اسلامی سخن بگویم، بدون اینکه متعرض دیدگاه خاص دینی مسلمانان درباره هنر و تحریم برخی از رشته‌های آن شده باشم. من در این کار به وصف آثار موجود هنری، ارائه دست‌آوردهای مسلمانان در این زمینه و فرآورده‌های جاودانی که محصول نبوغ آنان بوده است و همه آنها نمایانگر نقش مهم ایشان در چنین عرصه‌ای است، بسنده کرده‌ام، و این کاری است که بر برخی بینندگان تنگ‌نظر ثابت می‌کند که هنر، حلقه مفقوده‌ای در تمدن اسلامی است. تمدنی که خودبخشی مهم از میراث بشریت است. به این وسیله می‌توان جنبه‌های گوناگون این تمدن را تکمیل کرد. تمدنی که به اعتراف اروپاییان، عدم تشکیل آن، روند پیشرفت بشر را چندین قرن به تأخیر می‌انداخت.
- از خداوند متعال اصلاح خطا و توفیق می‌طلبم.

دمشق ۱۹۷۳/۲/۲۶ م - ۱۳۹۳/۱/۲۴ ق
انورالرفاعی